

بررسی و تحلیل ضرورت وجود تالار های شهر و ارائه راهکارهایی برای طراحی آن با استفاده از اصول معماری باغ ایرانی

بهناز کریمیان^۱

^۱ کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اصفهان، واحد خوراسگان، اصفهان، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

بهناز کریمیان

bkarimian@yahoo.com

چکیده

امروزه با توجه به پیشرفت های بشری و با گذشت تاریخ به شاخص تعامل در فضاهای شهری و تأثیری که این عامل می تواند در هویت بخشی به این فضاها و کاربران آن داشته باشد توجه ویژه ای شده است. تالار شهر عنوان یکی از مردم مدارترین فضاهای جمعی را در بسیاری از کشورهای دنیا دارد. اما کشور ایران که دارای سابقه درخشانی در معماری فضاهای جمعی است، امروزه خالی از چنین فضاهایی می باشد. مقصود از تالار شهر فضایی با کاربری های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که می تواند خانه ای برای زندگی جمعی یک شهر باشد که ضمن برآورده کردن نیازهای عصر حاضر، در بازایی هویت شهرها نقش بسزایی داشته باشد. در این پژوهش سعی گردیده از طریق روش های علمی مطالعات کتابخانه ای و اسنادی، با بررسی های توصیفی تحلیلی، مجموعه ای از عوامل موثر در پویایی یک فضای شهری چون تالار شهر شناسایی شود و راهکارهایی جهت طراحی بومی این فضاها ارائه گردد. بر این اساس ساخت فضاهایی جهت برگزاری جشن ها و بازی های آیینی، موزه، مسیرهای حرکتی، لحاظ کردن فضاهای خدماتی و فعالیت های فرهنگی و نیز سالن های همایش در طرح تالار شهر با استفاده از الگوها و مفاهیم استفاده شده در باغ ایرانی، می تواند عوامل موثری در ماندگاری تالار شهر باشد و مجموعه ی تالار شهر را در قالب قلب تپنده ی شهر و بخشی از هویت آن، میزان تعاملات اجتماعی و مشارکت مردم در مدیریت شهری را افزایش دهد

واژگان کلیدی: فضاهای جمعی، تالار شهر، اصول معماری ایرانی، الگوی باغ ایرانی

مقدمه

مطالعات تحقیقی و تجارب جهانی نشان داده که فضاهای عمومی شهری، محلی برای بروز ارزش های فرهنگی و بستری برای تعاملات اجتماعی و عرصه ای برای هویت سازی و هویت پذیری شهروندی به شمار می رود که می بایست در ابعاد کالبدی، مورد ارزیابی و بهبود قرار گیرند. کرو سابرین در تعریف فضای عمومی این چنین بیان می کند (بستر مشترکی که مردم فعالیت های کارکردی و مراسمی را که پیوند دهنده اعضای جامعه است در آن انجام می دهند چه روزمرگی های معمولی باشد و چه جشنواره های دوره ای)، (صحنه ای است که به روی آن نمایش زندگی جمعی در معرض دید قرار می گیرد). حضور مداوم در فضاها و محیط های شهری تأکیدی است بر وجود حیات شهری و زنده بودن شهر، راهکار کالبدی دست یابی به این حضور مداوم، ایجاد فضاها و محیط هایی است که امکان این گردهمایی را بوجود بیاورند. فضاهایی که منظور از ایجاد آنها فراهم آوردن موقعیت ها و مجموعه هایی برای با هم جوشیدن مشارکت های شهری و اجتماعی و در انتها، حداقل برای شادمانی و سرور است. رشد شهرهای امروزی با قالب مجموعه ای از محله های مجزا شده، به زوال کاربری و سرزندگی برخی از این مراکز فعالیت و برقراری ارتباط انجامیده است. با بی معنی شدن روز افزون طبقه بندی های حاصل از روند صنعتی شدن، درخواستی قوی و جدی برای تصحیح فرآیندهای مجزاسازی و حرکت به سوی محیط های اجتماعی و فیزیکی منسجم، دوباره ظاهر شده است. تالار شهر مکانی برای انجام کلیه امور اجتماعی شهر است که به عنوان یکی از ساختمانهای عمومی شهر و به سبب محوریت مردم از جایگاه ویژه ای برخوردار است، تالار شهر در درجه نخست فضایی برای استقرار مردمی ترین نهادهای شهری یعنی انجمن ها و شوراهای شهر و سپس مرکزی برای گردهمایی های عمومی و ارتباط و تعامل میان مردم در عرصه مسایل شهری است. بارزترین نقشی که برای تالارهای شهر می توان بیان نمود عبارتست از ایجاد فضایی مناسب جهت گردهمایی شهروندان و فراهم آوردن زمینه های تعامل و مشارکت مردمی در امور شهر. به عبارتی تالار شهر مرکزی است برای تصمیم گیری نهادهای مدیریت شهری در تعامل با شهروندان و در فضایی خاطر انگیز، هویت بخش و با شکوه مردمی. یکی از فضاهای عمومی و خاطر انگیز در معماری ایرانی باغ ایرانی است که به عنوان الگویی موفق از آن یاد می شود. باغ ایرانی پاسخ به نیاز است، مزین به نظم و تناسبات، برخوردار از خدمت و محرمیت، منزله از بیهودگی، افراط و تفریط که برآمده از فرهنگ ایرانی است و جلوه های خود را در وجوه گوناگون فرهنگ و هندسه برجای می گذارد. در ادامه سعی شده است که باغ ایرانی بعنوان الگویی مناسب در طراحی تالار شهر ایرانی مورد بررسی قرار گیرد.

تعریف جامعه

جامعه بزرگترین شمار افراد انسانی است که برای تامین نیازهای اجتماعی شان در کنش متقابل اند و همگی در یک فضای مشترک فرهنگی بسر می برند. کوچکترین واحد فیزیکی جامعه شخص اجتماعی است. این تعریف خام جامعه را از گروه اجتماعی که فقط جزئی از یک جامعه را تشکیل می دهند متمایز می کند و گذشته از آن فرهنگ مشترک یک جامعه خیلی وسیعتر از فرهنگ یک شخص منفرد یا یک گروه است، لذا جامعه را می توان شبکه ای از گروه های اصلی که با هم ارتباط متقابل دارند و یک (کل) تلقی می شوند و فرهنگ مشترک دارند، اینطور تعریف کرد:

۱- افرادی که جامعه را تشکیل می دهند یک واحد جمعیتی بشمار می آیند.

۲- جامعه در یک فضای جغرافیایی مشترک وجود دارد، البته ممکن است در بطن یک ملت چند جامعه وجود داشته باشد.

۳- جامعه از گروه های عمده که کارکرد های متفاوتی دارند تشکیل شده است.

۴- جامعه از لحاظ فرهنگی از گروه های متجانس تشکیل شده است.

۵- جامعه باید بعنوان واحدی که یکپارچه عمل می کند شناخته شود

۶- جامعه باید بعنوان واحد اجتماعی متمایز از جوامع دیگر شناخته شود. [۱]

انسان اجتماعی و فضای جمعی

با وجود پیشرفتهای فنی و ارتباطی هنوز هم هیچ انسانی نمی تواند تنها و بدون نیاز به دیگران زندگی کند. انسان در تعاملات اجتماعی با دیگران تکامل می یابد [۲]. افراد به برقراری رابطه اجتماعی نیاز ذاتی دارند و به همین دلیل موقعیت هایی فراهم می آورند تا بتوانند رابطه اجتماعی را تجربه کنند. رابطه اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق می افتد، بنابراین فضا مجموعه ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را در بر می گیرد. این روابط مدت زمان خاصی دارد، بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آن محدود می شود، نوع روابطی که در فضا برقرار می شود و شدت آن به فضا معنی می دهد، فعالیت های اجتماعی، به صورت خود بخود، در نتیجه حرکت مردم در فضاها و بودن آنها در یک فضا بوقوع می پیوندد. انسان نیازمند فضاهایی است که با خرد، انتخاب و آزادی و مسئولیت در آن حضور یابد و در امور جاری اظهار نظر و نقادی کند. چنین عرصه ای بدون شک حضور فرایند ویژه ای را در فضای شهری ضروری می سازد که مستلزم هوشمندی، نوآوری و خلاقیت است و محصول آن ایجاد فضای تعامل است، که امروزه بعنوان ابزاری برای تحقق عرصه عمومی در طراحی شهری مطرح است. از جمله فعالیت هایی که هر شهروند در عرصه زندگی به آنها می پردازد، فعالیت هایی چون گفتگو، همفکری، مشارکت، لذت بردن از محیط، مکاشفه و تحلیل محیط و نظایر آنهاست که نیازمند محیط هایی فراتر از محدوده خانوادگی و شغلی و حرفه ای است [۳]. کاراکترهای انسانی فضا که قابلیت ارتقا آن را به مکان فراهم می کند به حوزه تعاملات شهروندان و مراودات اجتماعی آنها مربوط می شود. در واقع باید گفت شهری می تواند شکل بگیرد که مکان شهری را در خود پدیدار کند و با حضور انسانها در فضای شهری است که امکان استحاله و تکامل فضای شهری به مکان فراهم می شود. در معماری اساسی ترین عامل مردم اند. از این رو معنای هر اثر معماری بدین اصل وابسته است که این اثر معماری تا چه اندازه آسایش مردم را تامین می دارد و در پاسخ به نیازهای ایشان کاراست. به راستی اثری را که از عهده این مهم برنیاید نمی توان معماری به شمار آورد. البته مردم نه تنها از نظر دموگرافی، تعداد، جنس، ساخت و نکاتی مانند آن در معماری اهمیت دارند و در تحلیل های معماری باید شناسایی شوند، بلکه نیازها، خواسته ها، عادات، اعتقادات، باورها و شیوه زندگی مردم اهمیتی فوق العاده و اساسی دارند [۴].

پیشینه بناها و فضاهای جمعی در جهان و ایران

سوازی نیازهای فردی انسان در زندگی که به حیات این جهانی او بیشتر وابسته اند و سوازی تمایلات درونی و ذاتی وی به کاوش در کائنات و جستجو در عالم معنا، انسان نیازمند فضایی است که در آن خود را با دیگران ببیند و اجتماعی بودن خویش را بیازماید، به نمایش بگذارد و از آن بهره ببرد. بر این اساس است که انسان های یکجا نشین و سازمان یافته در طول تاریخ همواره به فضایی همگانی نیاز داشته اند تا در آن خواسته های اجتماعی خود را عنوان کنند و اندیشه ها و هنرها و فرهنگ خود را در جمع بیازمایند و به داد و ستد فرآورده های خود و دیگران پردازند. از این رو می توان گفت سنت گردهمایی در مجتمع های زیستی به تاریخ و شکل گیری نخستین مجتمع های زیستی انسانی باز می گردد و از گذشته های دور تا به امروز در شهرها همواره فضاهایی برای اجتماع مردم و گفتگو در زمینه مسائل شهر وجود داشته است.

آگورا

میدان عمومی شهر که نخستین بار در منطقه ای که به طور طبیعی چند خیابان به هم می رسند شکل گرفت. این فضا یک فرم هندسی خاص را دنبال نمی کرد، بلکه با گذشت زمان به شکل های مهندسی رسید. ساختمانهای عمومی داخل این میدان ساخته می شدند. آگورا

در یونان فضایی محدود و مشخص برای وقوع فعالیت های اجتماعی شهر و برگزاری آزادانه رابطه ای اجتماعی و فرهنگی میان شهروندان بوده است. بطوری که برخورد اجتماعی مردم با هم و مداخله آنان در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نیز برخوردهای فکری آنان در این فضا صورت می گرفت.

فوروم

رومیان نیز فوروم ها را در هماهنگی با نظام اداری شهرهای خود و جهت پاسخگویی به نیازهای خاص زندگی جمعی شان ساخته بودند. فوروم که به لحاظ کالبدی به آگورای یونانی شباهت داشت، به عنوان محلی برای برگزاری امور اداری شهروندان، انجام امور تجاری و امور

سیاسی و گاه بخشی از امور مذهبی، زمینه برخورد اجتماعی مردم را با هم فراهم می‌آورد. به عنوان مثال فوروم شهر پومپئی که در آن طاق «تیبیوس»، پرستشگاه، بازار، تالار انتخابات، کوریا(شورای شهر)، معبد «آپولون» باسیلیکا و معبد ژوپیتر به خوبی مشهود است.

میادین ایران

در تاریخ شهر سازی ایران، مراکز خدماتی مجتمع در هر دوره بلند مدت شکل ویژه ای داشته است. اگر چه این نوع مراکز از ارائه خدمات را با انواع غربی آن نمی توان همسنگ دانست اما در دوره هایی که حکومت‌های متمرکز و دارای امکانات و بنیه بالای مالی و اقتصادی در رأس قدرت بوده و فرصت و مجال کافی برای تحکیم ارکان قدرت و تثبیت شکل معماری ابنیه حکومتی و خدماتی داشته اند، اشکال خاصی از اینگونه مراکز با محتوا و اندیشه همان دوره بخصوص، صورت تحقق بخود گرفته‌اند. بی شک نوع احتیاجات و قلت مراکز مختلف خدماتی در مقام قیاس با زندگی اجتماعی کنونی تعدد عملکردهای آن را در حد پایینی نگاه می‌داشته است که به هیچ وجه با عدد اینگونه ادارات و ارگانهای خدماتی در زندگی روزمره جامعه بشری مابینتی ندارد. به عنوان نمونه هسته‌های کوچک محله ای به عنوان کوچکترین مراکز تجمع خدمات در سطح شهرها همواره به اشکال مختلف در بافتهای کهن شهرهای مختلف ایران وجود داشته اند که هم‌اینک نمونه های بارز و کاملاً تیپتیک آنها را می توان در شهرهایی چون یزد و کاشان که از گزند تحولات و تغییرات بنیادی درباقت کهن کمتر آسیب دیده‌اند مشاهده نمود. در روند خدمات رسانی شهری این مراکز در مقیاسهای مختلف تا بدانجا پیش می‌روند که میدانهایی چون میدان گنجعلی خان کرمان و میدان نقش جهان اصفهان به مثابه بارزترین مراکز تجلی قدرت و همچنین وحدت و انسجام حکومتی و کانون خدمات شهری (خدمات لازم در زمان ساخت مجموعه) عرضه اندام می‌نمایند. بطور کلی تصویری که از عملکرد فضاهای مزبور می‌تواند امروزه مطرح باشد در مرحله نخست فضایی با وحدت در فرم و تاکید بر استیل معماری مشخص عصر و ترکیبی جدا افتاده از کلیه المانهای ارزشمند خدماتی دوره مورد بحث بوده است. عناصری چون بازار به عنوان کاملترین عرصه داد و ستد و کانون برقراری معتبرترین شکل مرادوت و روابط اجتماعی اقتصادی و نیز ابنیه ای چون مسجد، حسینیه، حمام، آب انبار، تیمچه و کاروانسرا و همچنین مرکز حکومتی شامل نظمی و ادارات دیوانی و احیاناً مقرر حاکمان محلی برای نمایش تعزیه و ورزش و... در مجموع پاسخگویی بخش اعظم نیازهای زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان را به صورت جامع بر عهده داشته اند.

نکته مهمی که می توان اشاره ای بدان داشت مطرح گردیدن نقطه ای شاخص و یگانه در بافت در هم تنیده شهری است که به بافت عمومی شهر مراکز مختلف خدماتی، معابر و فضاهای سبز و حتی سمت و سوی حرکت روزمره مردم و جریان آب جهتی می داده و عملاً به مثابه صورت مشخصه یک شهر و در مواردی وجه مشخصه معماری و شهر سازی یک کشور در اذهان مردم این سرزمین و بیگانگان نقش می‌بسته است. بارزترین نمونه چنین موردی میدان نقش جهان اصفهان است که به عنوان یک نقطه عطف در بطن شهر و در مقیاس بزرگتر در سطح ایران و باز هم در مقیاسی بسیار عظیم تر تا بدان جا که به عنوان میراث فرهنگی و جهات ثبت گردیده است [۵].

ضرورت وجود فضاهای جمعی چون تالارهای شهر در جوامع دموکراتیک

فضای جمعی در واقع بستر مشترکی است که عموم مردم فعالیت های کارکردی و مراسمی را که پیوند دهنده اعضای جامعه است در آن انجام می دهند چه این فعالیت ها روزمره و معمولی و چه جشنواره ای و دوره ای باشند. به عبارت دیگر فضای عمومی صحنه ای است که به روی آن نمایش زندگی اجتماعی در معرض دید عموم قرار می‌گیرد، فضایی است برای سیاست، مذهب، دادوستد و ورزش. فضایی است برای همزیستی مسالمت آمیز و برخوردهای غیر مشخص. ویژگی اصلی فضای جمعی آن است که زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره ما را بیان کرده و در ضمن بر آنها نیز تاثیر می‌گذارد. در گذشته هنگامی که حضور در شهر شامل مرور زمان می‌شد، آشنایی هایی را بوجود می‌آورد و موجب پیدایش و گسترش شبکه

ارتباطات اجتماعی می‌شد که اسباب مدنیت بود. چرا که انسان بالطبع موجودی آشنایی طلب است. بعد از آشنایی است که افراد با یکدیگر منافع مشترک پیدا می‌کنند. فضاهای عمومی و عرصه‌های جمعی، فضاهایی است که یک اندیشه و خواست مشترک را شکل داده و پشتیبانی می‌کند، که توجه به این موضوع در شهر ایرانی کاملاً مشهود است [۶]. فضاهای جمعی از مهم‌ترین عناصر ساخت فضایی شهر است. مکانهایی که بیشترین کنش‌ها و ارتباطات میان شهروندان در آن روی می‌دهد و بستر اصلی فعالیت‌های کارکردی و مراسمی شهروندان را ایجاد می‌نماید [۷]. وجود فضاهای جمعی نقش بسیار مهمی در جذب مردم و حضور آنها در شهرها را داشته است. این حضور فرصت تعاملات و واکنش‌های اجتماعی را فراهم نموده و باعث بوجود آمدن خاطره جمعی مشترک و حس تعلق به فضا می‌گردد. فضای جمعی به جز جوانب فیزیکی و کالبدی، نوعی فضای ادراکی و نمادین است که با خصیصه‌های نظام مند و ماهیتی مرکب با زمان اجتماعی و فرهنگ جامعه پیوندی ناگسستنی داشته و نسبت فرهنگی و اجتماعی جامعه در ادراک آن موثر است، همچنین این فضاها حاصل میراث تاریخی و فرهنگی جامعه است [۸]. بنابراین عدم وجود فضای شهری مناسب می‌تواند سبب بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی در شهرها شود. علاوه بر آن ساخت فضاهای جمعی چون تالار شهر ضمن تأثیرات مثبتی که در انجام امور شهر و مدیریت شهری دارد، می‌تواند به عنوان یک راهکار مناسب برای ایجاد فضای زنده شهری با کارکردهای عالی اجتماعی و زیبایی شناختی در عرصه‌ی طراحی شهری معرفی گردد.

تالار شهر

سابقه احداث تالار شهر در دنیا به بیش از یک قرن پیش بازمی‌گردد و امروزه در اکثر شهرهای دنیا بنایی با نام تالار شهر وجود دارد که ساختمان بسیاری از آنها از قدمت تاریخی برخوردار است. سیتی هال در تمامی شهرهای بزرگ جهان صنعتی با مختصر تفاوت‌هایی ماهیت بنایی سمبلیک و واحد را در سطح شهر داشته که عمدتاً عملکردهای تشریفاتی دارد و در قالب سالن‌ها و فضاهای خاص و بزرگ برای جوامع و کنفرانس‌های مهم و مراسم ویژه تجلی می‌یابد و در هر یک کلام عملکردهای خدماتی آن در مقایسه با عملکرد تشریفاتی فوق در مقام دوم اهمیت قرار می‌گیرد. تالار شهر به مفهوم عام آن مکانی است که به همه مردم شهر تعلق دارد و همچنان که شهر متعلق به شهروندان است، تالار شهر نیز خانه نمادین شهروندان بشمار می‌آید. لازم به ذکر است که ماهیت استقلال عملکرد تالار شهر از عملکرد شهروندان در اداره شهرشان مایه می‌گیرد. شورای شهر به عنوان نماینده شهروندان عملیات شهرداران را زیر نظر دارد و امور اجتماعی شهر در این انجمن و شوراهای آن حل و فصل می‌گردد، نشست‌ها و گردهمایی‌های متعددی که مربوط به شورای اصناف، شورای شهر و شهرستان و استان می‌باشد، در همین محل تشکیل می‌گردد. تالار شهر سمبل و نماد شهر و مرکز گردهمایی‌های عمومی و ارتباط و تعامل میان مردم در عرصه مسایل شهری است. نقش این فضا در اکثر شهرهای دنیا ایجاد جاذبه و کنش برای همکاری مردم و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ارتقا کیفی و کمی خدمات و فضاهای شهری است. در تالار شهر آن دسته از تنگناها و گره‌های شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد که دولت و نهادهای دیگر شهری به تنهایی قادر به حل آنها نیستند. مهم‌ترین مخاطبان تالار شهر شهروندان شهرند. شهروندان برای ظهور خلاقیت‌های فردی و کسب تجربه‌ها و اندیشه‌های جدید، فضاهایی مانند تالار شهر نیاز دارند.

تالار شهر در ایران

علی‌رغم سابقه طولانی احداث تالار شهر در دنیا، پرداختن به این امر مهم در کشور ما تا کنون در مرحله طرح و برگزاری مسابقات معماری باقی مانده است. جدی‌ترین اقدام صورت گرفته در این زمینه طرح تالار شهر تهران بود که در سال ۱۳۵۶ به مسابقه گذاشته شد و در نهایت طرح کنزو تانگو معمار ژاپنی برنده شد اما این طرح هرگز به مرحله اجرا نرسید. این در حالی است که کشور ما از نظر داشتن فضاهای عمومی از پیشینه‌ای غنی برخوردار است بطوری که بازارها و میدان‌ها در گذشته فضاهای مهم ارتباطی، اجتماعی و اقتصادی شهر بودند و در مقیاس‌های گوناگون همواره محلی برای تجمع مردمی و استقرار انواع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی بشمار می‌رفتند. اگر چه نزدیک به دو دوره از فعالیت مجدد شوراهای در کشور می‌گذرد، لیکن شوراهای کار، مناسب و شایسته‌ای برخوردار نیستند که همین امر مشکلاتی را برای متولیان امور شهری و شهروندان فراهم آورده است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد زمان آن فرارسیده

است تا این موضوع مورد توجه متولیان امور شهری در سطح کشور قرار گیرد و تدابیر مناسبی برای نحوه استقرار کالبدی شوراهای شهر اندیشیده شود. بر این اساس لازم است خلق فضاها و ساختمان های شهری جدید و ارائه طرح‌هایی برای ساخت تالار شهر در شهرهای کشور با توجه به فرهنگ غنی معماری و شهرسازی ایرانی، در دستور کار معماران ایرانی قرار گیرد. موضوعی که دیگر کشورها بیش از یک قرن است پاسخ مناسبی برای آن یافته‌اند. این بناها بایستی به عنوان نمادهای شهری از معماری جدید و در عین حال با هویتی برخوردار بوده و ضمن برقراری ارتباط مناسب با بستر تاریخی و فرهنگ شهر ایرانی، توانایی پاسخگویی به نیازهای انسان امروزی را نیز داشته باشند [۱۲].

شناسایی اصول تاثیرگذار بر ماندگاری فضاهای جمعی در معماری ایرانی

هنر و معماری ایران از دیرباز دارای چند اصل بوده که بخوبی در نمونه های این هنراز جمله بناهای عمومی و جمعی نمایان شده است. این اصول چنین هستند: مردم واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی و درونگرایی

مردم واری

مردم واری به معنای رعایت تناسب میان اندام های ساختمان با اندام های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان سازی است. معماری همیشه و همه جا هنری وابسته به زندگی بوده و در ایران بیش از هر جای دیگر. چنانکه آرایش معماری نیز همواره بدست زندگی بوده و در هر زمان روش زندگی بوده که برنامه کار معماری را پی ریخته است.

پرهیز از بیهودگی

در معماری ایران تلاش می شده کار بیهوده در ساختمان سازی نکنند و از اسراف پرهیز می کردند. این اصل هم پیش از اسلام و هم پس از آن مراعات شده است. در قرآن کریم آمده مومنان، آنانکه از بیهودگی روی گردانند. اگر در کشورهای دیگر هنرهای وابسته به معماری مانند نگارگری، سنگتراشی، پیرایه (آذین) به شمار می آمده، اما در کشور ما هرگز چنین نبوده است. اگر نیاز باشد در زیر پوشش آسمانه (سقف)، پناهی در برابر گرما و سرما ساخته شود، تنها با افزودن کاربردی می توان آن را کوتاهتر و به اندام و مردم وار کرد.

نیارش

واژه نیارش در معماری گذشته ایران بسیار به کار رفته است، نیارش به دانش ایستایی، فن ساختمان و ساختمایه (مصالح) شناسی گفته می شده است معماران گذشته به نیارش ساختمان بسیار توجه می کرده اند و آن را از زیبایی جدا نمی دانستند. آنها به تجربه به اندازه هایی برای پوشش ها و دهانه ها و جرزها دست یافته بودند که همه بر پایه نیارش به دست آمده بود. پیمون، اندازه های خرد و یکسانی بوده که در هر جا در خور نیازی که بدان بوده به کار گرفته می شده. پیروی از پیمون هرگونه نگرانی معمار را درباره ی ناستواری یا نازیبایی ساختمان از بین می برده است. معماران همراه با بهره گیری از پیمون و تکرار آن در اندازه ها، ساختمان ها را بسیار گوناگون از کار در می آورده اند. هیچ دو ساختمانی یکسان از کار در نمی آمد و هر یک ویژگی خود را داشت، گرچه از یک پیمون در آنها پیروی شده بود.

خودبسندگی

معماران ایرانی تلاش می کردند ساختمایه مورد نیاز خود را از نزدیکترین جاها بدست آوردند و چنان ساختمان می کردند که نیاز به ساختمایه جاهای دیگر نباشد و خود بسنده باشد، بدین گونه کار ساخت با شتاب بیشتری انجام می شده و ساختمان با طبیعت پیرامون خود سازوارتر در می آمده است و هنگام نوسازی آن نیز همیشه ساختمایه آن در دسترس بوده است. این اصول در تمام بناهای ساخته شده در معماری گذشته ایرانی، از خانه گرفته تا کاخ ها و باغ ها مورد استفاده قرار می گرفته است و باعث دوام و پایداری بنا و فرازمانی و فرامکانی شدن آن بوده است.

درونگرایی

یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر بگونه ای معماری ایران را درونگرا ساخته است. معماری ایرانی با ساماندهی اندامهای ساختمان در گرداگرد یک یا چند میانسرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می داد، خانه های درونگرا در اقلیم گرم و خشک همچون بهشتی در دل کویر هستند. معماران حتی در ساختمانهای برونگرا مانند کوشک میان باغ ها نیز درونگرایی را پاس می داشتند. کوشکها ساختمانهایی برونگرا بودند که گرداگرد آنها باز بود و از هر سو به بیرون باز می شدند [۹].

باغ ایرانی الگویی ماندگار با هویت ایرانی

ساخت باغ در کشور ما سابقه ای طولانی داشته و در تمام دورانها بخصوص دوره اسلامی مورد توجه بوده است. باغها چند عملکرد داشته اند و در بعضی دورانها باغهای عمومی برای گردش و تفریح اهالی ساخته می شدند. در دوره های اسلامی نیز ایجاد باغها و درخت زارها، همچنان مورد علاقه ساکنان این سرزمین کهن بوده و علاوه بر باغهای بزرگ باشکوه بیرون شهرها، چندین سده پدیده باغ سازی در درون و پیرامون شهرها خاص این سرزمین بوده است. در دین اسلام کاشتن درخت پسندیده و از بین بردن و قطع بی مورد آن نکوهیده شمرده شده. از طرفی بدلیل اختلاف آب و هوایی مناطق مختلف ایران، بخصوص در مناطق گرمسیری باغ اهمیت ویژه ای پیدا می کند. این دو موضوع و مسایل دیگر باعث شدند که در این سرزمین درخت به عنوان عامل گیاهی و حیاتی مورد احترام اهالی قرار گیرد. فضاها ی سبز بر چند گونه بوده اند، یک نوع آن باغ های بزرگ و با چند ساختمان بوده است نوعی دیگر باغچه ها بودند که در مقیاس کوچکتر و خصوصی تر بکار رفته اند و در همه خانه ها از اعیان تا معمولی ساخته می شدند. گودال باغچه هم گونه ای دیگر از فضای سبز است. این گودال باغچه ها در جایی احداث می شد که آب زیادی نداشتند. همانطور که می دانیم یکی از اصول معماری ایرانی درونگرایی بوده است. باغها نیز از همین امر تبعیت کرده و معمولا دور تا دور آن با دیوار محصور بوده است. این مسئله علاوه بر ایجاد یک حفاظ، باعث می شود که وقتی انسان از فضای گرم بیرون به داخل باغ وارد شود چیزی بسیار متفاوت با بیرون را ببیند علاوه بر این محدود کردن آن باعث کار بیشتر بر روی آن می شود. دیوارهای باغ عموما بلند و از خشت خام و یا آجر هستند. در باغهای ایرانی مانند آثار هنری دیگر، سعی شده تا از بیهودگی پرهیز شود. در باغها هم مانند ساختمانها (که چیز بیهوده ای در آن نمی ساختند) بوته ای بی مورد پیدا نمی شده است. در داخل باغها علاوه بر درختان و گلها و آب نماها گاهی اوقات یک کوشک در محور اصلی باغ ساخته شده که یا در مرکز و یا در بالای آن قرار گرفته اند که اصل مردم واری در طراحی همه کوشک ها رعایت می شده است. مهم ترین مسئله برای حیات بخشیدن به باغ رساندن آب از راههای دور دست به آنجا بوده که با انتقال آب از طریق قنات ها این مسئله را حل نموده اند. کاریز یا قنات یکی از روش های بسیار قدیمی تهیه آب است که با کندن چاه های زیاد از دامنه کوهستان تا دشت و متصل کردن آنها به یکدیگر آب مورد نیاز حاصل شده و به صورت دائمی جریان پیدا می کند [۱۰].

اصول طراحی باغ ایرانی

اصل محرمیت در باغ ایرانی: محرمیت یکی از اصول مهم در طراحی و ساخت باغ های ایرانی است که گاه با دیوارهای بلند و قلعه ها، گاه با چینه ای کوتاه و گاه حتی با دیوارهای مشبک تامین شده است و هر بار روش های مورد استفاده بسته به اقلیم محل و میزان امنیت و زمان ساخت تغییر کرده است. عناصر ایجاد محرمیت در باغهای ایرانی عبارتند از:

دیوار: باغ ایرانی همواره با دیواری محصور می گردد تا هم خلوتگاهی برای آرامش و گوشه نشینی و هم حفاظی برای احساس و تامین امنیت باشد.

سردر ورودی: عمارت سردر، که در بعضی باغ ها بنای کامل و بزرگی است ورودی را تاکید می کند و مانع دید مستقیم عابرین می شود. در باغ ها سردر ورودی وظیفه دار سد نظر می باشد و انسان تا ورود به باغ از کم و کیف آن بی خبر است.

کوشک: کوشک یا بنای اصلی معمولا در وسط باغ قرار دارد و محل زندگی است. گاه کوشک باغ را به دو قسمت تقسیم می کند قسمت وسیع تر عمومی بوده و قسمت کوچیکتر به خانواده ساکن کوشک اختصاص دارد. در غیر اینصورت میانسرای فراخی در میانه کوشک عهده دار این محرمیت است.

اصل سلسله مراتب: یکی از اصول معماری ایران، وجود نظام ترتیب و توالی در جایگیری فضاها و عملکردها و وقوع فعالیت ها، دیدهها و حرکت هاست. ترتیب و توالی فضاها از این باور نشات می گیرد که در مسیر تدریجی فضاها تا رسیدن به فضای مقصد، درک و احساس در یک جریان پیوسته رشد، کمال و آماده سازی برای نیل به شاهد مقصود قرار می گیرند. وجود سلسله مراتب در معماری در فرهنگ ایرانیان در ارتباط با مفهوم محرمیت می باشد. محرمیت فضاهایی با روحیه و کارکردهای گوناگون می آفرینند و آن را به عرصه های عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی تقسیم می نماید. در معماری ایرانی به ویژه در باغ سازی، شکل گیری فضا بر اساس تنوع های هندسی غنی و محکمی است که به همراه خود سلسله مراتبی را در کاشت درختان، حرکت آب، کرت بندی ها می آفرند و نهایتا منجر به ایجاد سلسله مراتب فضایی می شود. معمار به وسیله ارائه تناسب و اندازه های خاص ارائه عناصر معرف و ایجاد ریتم به فضا حرکت می دهد و در جایی دیگر که نیازی به مکث و توقف باشد با گشایش در فضا و سایر ابزارها حالت توقف را به شخص القا می کند. این موضوع در خیابان های باغ نمود بیشتری می یابد.

اصل تکرار موزون و ریتم در باغ ایرانی: ریتم به معنای تکرار موزون ساده یا پیچیده یک عنصر یا پدیده در یک اثر هنری است. منظور از تکرار موزون پیچیده، تکرار چند عنصر یا مجموعه به نحوی که درک روابط و قانونمندی های حاکم بر آنها به مشاهده دقیق و عمیق نیاز دارد. این اصل در مواردی جوابگوی نیاز عملکردی می باشد همچون حجره های یک مدرسه یا کاروانسرا و گاهی برآورده کننده نیاز زیبایی شناختی است از لحاظ بصری منظری ظریف و خوشایند پدید آورد. در باغ ایرانی این اصل را می توان در دیواره های حاشیه باغ، دیواره های صفحه بندی حاصل از زمین های شیب دار و حتی در کفسازی مشاهده می شود.

اصل مرکزیت در باغ ایرانی: یکی از امور مهم در ترکیب و سازمان دهی عناصر در بسیاری از فضاهای معماری مرکزیت است و غالبا جهت تاکید مهم ترین قسمت مجموعه مورد استفاده قرار می گیرد. کوشک، فضایی متمرکز و برونگراست و در باغ های ایران از شیوه برونگرا و درونگرا بهره جسته است. طرح کوشک ها به صورت مربع، مستطیل، دایره و یا هشت ضلعی به چشم می خورد. این عمارت در باغ ایرانی، فضای باغ را مجزا نمی کند. فرم، نما، مصالح، بافت، رنگ و ... به گونه ای است که هرگز تافته ای جدا بافته ایجاد نمی شود، کوشک در مرتفع ترین نقطه باغ قرار می گیرد.

اصل تقارن در باغ ایرانی: اصل تقارن را می توان کامل ترین شکل تعادل به شمار آورد که علاوه بر جنبه های زیبا شناسی به لحاظ ایستایی نیز همواره مورد توجه بوده است. در باغ های ایرانی به وفور از این اصل استفاده شده است. اوج قرینه سازی و تقارن در محور اصلی باغ ایرانی پیاده گردیده است. کوشک های ساخته شده تقارن بوده و بر روی محور یا مرکز تقارن باغ واقع اند.

تنوع در وحدت، وحدت در تنوع: باغ ایرانی در عین وحدت در خطوط کلی هندسه و مصالح اجرایی، دارای تنوع فضایی بی نظیری است. تنوع فضایی باغ با تعریف فضاهای مستقل از هم از طریق محدود سازی، تنظیم فاصله دید، بهره گیری از اشکال کامل هندسی، طرح کاشت، ترکیب بندی های متفاوت از گونه های گیاهی، کارکردهای فضایی آب، بهره گیری از مصالح و امثال آن نمود پیدا می کند. محورهای اصلی، محورهای فرعی، کرت ها، انواع حوض ها و فضاهای ساخته شده با نوع بسیار زیادی که ارائه می دهند نشان از یک نظم و وحدت سازی در کلیت باغ می دهند.

طبیعت گرایی و بهره گیری از منظر: فرهنگ ایرانی، انسان را جدا از طبیعت نمی بیند، بلکه او را همراه با سایر عناصر طبیعت و جز لاینفک آن و دل سپردن به طبیعت و استفاده از مناظر طبیعی را علاوه بر این که پی بردن به آیات و نشانه های خدا می بیند، موجب حظ بشر و نشاط روان آدمی می داند. از این رو معماری و هنر ایران به شدت طبیعت گراست. این اصل در باغ ایرانی سبب بوجود آمدن فضاهای نیمه باز مانند ایوان و کوشک شده است که حد فاصل و پیوند دهنده فضای طبیعت و بخش ساخته شده می باشد [۱۱].

نتیجه گیری

نگارنده بر اساس آنچه گذشت، راهکارهای کاربردی و عملی را جهت طراحی فضاهای شهری چون تالار شهر با تکیه بر اصول معماری باغ های ایرانی در قالب جدولی به شرح ذیل ارائه می نماید:

عملکرد	فرم	الگو
طراحی مسیرهای سلامت برای انجام پیاده روی و دوچرخه سواری	محصور کردن مجموعه و محدود نمودن آمدوشد وسایل نقلیه به مجموعه	محرمیت
ایجاد مجموعه ای با فضاهای فعال شب و روز	طراحی محورهای حرکتی و تامین دسترسی ساده به موقعیت تالار برای عموم	تقارن و تعادل
ایجاد عرصه های حضور جمعی جهت برگزاری تئاترهای خیابانی و نمایش های آیینی	سیالیت و تداوم فضایی با ایجاد مسیرهای حرکت و مکث به صورت تواما	سلسله مراتب
طراحی فضاهایی جهت اجرای مسابقات و آمفی تئاترهای روباز	الهام گرفتن از فرم های سنتی در طراحی نماها و حجم و تطابق آنها با نیازهای معماری و انسانی زندگی معاصر	تکرار موزون و ریتم
ایجاد ارتباط میان شهروندان و مسئولان مدیریت شهری	ساخت مجموعه ای یگانه به عنوان نماد و هویت شهر	مرکزیت
طراحی خلایقانه میلمان ها و نشیمن ها در فضاهای پیرامون تالار	توجه به طراحی سبز	طبیعت گرایی و استفاده از طبیعت

منابع و مراجع

- [۱] محمدی، م، جامعه مدنی به منزله یک روش، انتشارات نشر قطره، ۱۳۷۶
- [۲] اسماعیل پور، ف، شهرهای جدید و خاطرات جمعی شهرهای جدید، مجموعه مقالات همایش بین المللی شهرهای جدید، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، تهران، ۱۳۸۵
- [۳] امین آذر، ل، ستارزاده، د، سیر تحول مفهوم شناسی فضای جمعی در معماری و شهرسازی، اولین همایش ملی اندیشه ها و فناوری های نو در معماری، تبریز، ۱۳۹۱
- [۴] محمودی نژاد، هادی، فضا و مکان در طراحی شهری، انتشارات هله، تهران، ۱۳۸۵
- [۵] سپهری، ک، مقاله نقش بناهای عمومی در شهر، ۱۳۷۹
- [۶] مسجد جامعی، ا، شهری برای احترام به مردم، مجله تخصصی هنر محیط منظر شهر معماری، شماره ۷
- [۷] عندلیب، علیرضا، فضاهای عمومی شهر، مجله تخصصی، هنر محیط منظر معماری، شماره ۷
- [۸] لواسانی، م، یزدانی، م، فضای جمعی ظرف تحقق حیات مدنی، مجله تخصصی هنر محیط منظر معماری، شماره ۷
- [۹] پیرنیا، م، سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، تهران، ۱۳۸۶
- [۱۰] پیرنیا، م، آشنایی با معماری اسلامی ایران، انتشارات سروش دانش، ۱۳۹۰
- [۱۱] خسروجردی، ن، محمودی، م، نشانه شناسی صورت و معنا در معماری باغ ایرانی، همایش ملی معماری شهرسازی توسعه پایدار، مشهد، ۱۳۹۳